

## نبرد خلق شماره ۷

جنبش مسلحانه خلق ایران در ۹ بهمن ۱۳۴۹ با رستاخیز سیاهکل آغاز گردید و هدفش بود راهگشایی مبارزات خلق ایران قرار داد.

نقطه آغاز جنبش مسلحانه خلق ایران با يك خیزش سراسری بود، همراه نبود، بلکه حرکت يك نیروی کوچک پیشرو وجه مشخصه آن بشمار می‌رفت.

این نیروی کوچک پیشرو که مسلح به مارکسیسم - لنینیسم خلاق بود، با الهام از اراده خلق و درك ضرورت‌های تاریخی و رسالت خود مصمم شده بود که بهر قیمتی که شده به بن بست سیاسی موجود در جامعه ایسران پایان بخشد. حرکت انقلابی در جامعه ط خواست توده‌های بود که سالیان دراز حق شرکت در سرنوشت خود را نداشته‌اند، و عمیقه در نتیجه قدرت استثمارگران و زورگویان داخلی و غارتگران امپریالیست خارجی سیر بودند و در دوران اخیر نیز میبایست ظالم نظام دیکتاتوری بورژوازی وابسته ایران را تحمل می‌کردند.

جنبش مسلحانه قبل از آشکار ساختن

مبارزات خود، سالها در شکل مخفی مشغول تدارك و زمینه چینی بود.

نقطه عزیمت جنبش مسلحانه، شکست شیوه‌های مسالمت‌آمیز مبارزه سیاسی از یکطرف، و شکست مبارزات مخفی - سیاسی بر عمل از سوی دیگر بود. این شکل از کار سیاسی که تا قبل از رستاخیز سیاهکل بر فعالیت قسمت زیادی از نیروهای مارکسیستی جامعه حاکم بود نوعی "مقاومت منفی سیاسی" آنهم در شکل پنهانی خود بشمار می‌آمد و سبب شده بود که بسیاری از نیروهای پیشرو عملاً در مقابل شیوه‌های رخصیانسه دیکتاتوری رژیم موضعی انفعالی بگیرند و بانتظار روزهای بهتر سال شماری‌کنند در چنین شرایطی پیشگامان جنبش به تدارك سیاسی و تدارك عطفی مبارزه مسلحانه اقدام نمودند.

پیشگامان جنبش مسلحانه که پیشروترین و صادترین انقلابیون ایران را تشکیل می‌دادند، با تحلیل علمی از اوضاع اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جامعه ایران کار خود را آغاز کردند. این تحلیل

ها که در آثار "ضرورت مبارزه مسلحانه و روش تئوری بقا" ۱، "مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک" و "آنچه باید يك انقلابی بداند" ارائه شده‌اند. اساس تئوریک جنبش مسلحانه ایراتراشکیست می‌دهند.

بر اساس تئورهای سیاسی مطروحه در این آثار استراتژی مرحله اول جنبش مسلحانه ایران و تاکتیک‌های مربوط آن در چهار چوب پروسه انقلاب در يك کشور نوسستمه، مشخص شده، و همچنین مراحل استراتژیک بعدی جنبش تا حد امکان مورد بررسی قرار گرفته بودند. ولی با این همه تعیین دقیق مسیر حرکت نیروهای انقلابی جامعه و کشف ویژگی‌های انقلاب ایران و براساس آن تدوین تئوری انقلابی ویژه جامعه ایران تنها در جریان عطف و حرکت میسر بود.

وظیفه جمع بندی تجارب جنبش مسلحانه ایران در دوره گذشته اساساً توسط رفیق شهید بیژن جزینی با استفاده از امکانات و فرصتهای محدودی که در زندان رژیم

داشت صورت گرفت و رفیق جزئی در رسالات  
تحلیلی خود تئوری مبارزه مسلحانه را بر  
راگسترش بخشیده ، و راه آینده را روشنتر  
ساخت . اینک در شرایطی که جنبش  
مسلحانه کاملاً در سطح جامعه تثبیت  
شده است این وظیفه بر عهده سازمان  
ما قرار می گیرد که با درس گرفتن از اندیشه  
های رفقای کبیر سازمان این رهروان راستین  
مارکسیسم - لنینیسم در ایران و با اتکا  
به تئوری عمومی مارکسیسم - لنینیسم ، و هم  
چنین با توجه به پراتیک انقلابی موجود  
در جامعه دست با اقدامات وسیعی زده و بسا  
ایجاد یک سیستم تحلیل مداوم از شرایط  
عینی و تحول جامعه ، و اوضاع و احوال  
منطقه ای و جهانی شرایط ذهنی انقلاب  
را متناسب با حرکت واقعیت های عینی تدارک  
کند و ویژگی های تئوری انقلابی در ایران را  
بمثابه یک کشور نو مستعمره تدوین نماید .  
جنبش مسلحانه ایران اولین هدف  
استراتژیک خود را طرح و تثبیت جنبش در  
سطح نیروهای پیشرو ، آگاه و سیاسی  
جامعه ایران قرار داده بود . برای تحقق  
این هدف کوششی گسترده و مبارزه ای بی-  
امان و خستگی ناپذیر لازم بود . جنبش در  
شرایطی حرکت عطفی خود را آغاز کرد که سه  
دشمن از ثبات نسبی برخوردار بود و بسا  
تکیه بر تجارب و امکانات امپریالیست ها با  
قدرت کامل بر ایران حکومت میکرد ، و حتی  
ادعای ناپودی تمام مخالفین خود را داشت  
رژیم شاه با تکیه بر امپریالیسم جهانی و  
تجارب وسیع ضد انقلابی آن ، به غارت نیروی  
کاربرولتاریای میهن ما و همچنین منابع

وسیع ملی ما مشغول بود . با اینهمه  
علیرغم ثبات اقتصادی نسبی که رژیم را قادر  
میساخت حداقل ممیشت توده ها را در  
سطح نازلی ثابت نگه دارد و این حداقل  
را تأمین نماید ، توده ها بشدت زیر فشار  
قرار داشتند و استثمار و گناه بورژوازی  
کمپرادور و سرمایه داران جهانی کمر طبقه  
کارگر ایران را خم کرده بود . و خرد  
بورژوازی سنتی ایران نیز در چنگال  
سرمایه نیرومند امپریالیستی بورژوازی  
افتاده بود . در چنین شرایطی فشار  
سیاسی فوق العاده بر مردم از جانب رژیم  
نشاندهنده نارضایتی شدید اقشار و طبقات  
زحمتکش جامعه بود . با اینهمه این  
تارضایتها امکان بروز و رشد نمی یافتند  
و مردم در زیر بار دیکتاتوری سیاه شاه  
بی سرختند و بی ساختند . در چنین  
فضای خفقان باری تنها شکل مبارزه برای  
درهم شکستن فضای یأس آلودی که بر مردم  
چیره شده بود ، دست یازیدن به مبارزه  
مسلحانه بمثابه آنتی تز شکل مرکوب  
دیکتاتوری فاشیستی شاه بود . در واقع  
می بایست باین مسأله که چگونه بایست در  
جهت شکستن ماشین دولتی پیش رفت  
پاسخ مشخصی در عمل داده می شد .  
پاسخ این سؤال را تنها و تنها میسر  
در استراتژی و تاکتیک مبارزه مسلحانه پیدا  
نمود . جنبش مسلحانه برنامه استراتژیک  
خود را در مرحله اول مبارزات خود بر اساس  
طرح و تثبیت جنبش مسلحانه در ایران استوار  
ساخته بود و برای تحقق این برنامه میبایست

بهد فهای زیر دست می یافت .  
۱ - مطرح کردن مشی مسلحانه به  
مثابه آتش ترمش دیکتاتوری فاشیستی  
رژیم و بعید ان کشیدن نیروهای کبیرا در  
بن بست سیاسی موجود در جامعه در حال  
سردرگمی و لاتکلیفی بودند و راهی برای حرکت  
سازنده نمی یافتند .  
۲ - پایان بخشیدن به حیات تئوری  
بقا منفعل و بیابان عبارت دیکتاتوری صبر و  
انتظار در سطح نیروهای آگاه سیاسی جامعه ،  
بدین منظوری بایست مبارزه تئوریک گسترده ای  
با اشکال مختلف اپورتونیسم که هر یک در غایت  
امری تحرکی سیاسی را توصیه میکردند ، صورت  
میگرفت و از طریق تحلیل علمی و کثرت شرایط  
عینی و ذهنی در جامعه ایران ، راه حسل  
مناسب برای خروج از بن بست سیاسی  
جامعه مطرح می گردید و تئوری جنبش -  
مسلحانه در سطح سراسری مطرح می شد .  
۳ - ایجاد امکانات عطفی بمنظور  
سازماندهی پیشروترین نیروهای موجود  
جامعه بمنظور شروع " تبلیغ مسلحانه " که  
در مرحله نخست هدفش ایجاد شور و امید  
انقلابی در نیروهای آگاه و سیاسی جامعه  
و جلب حمایت معنوی این نیروها از جنبش  
توین خلق بود . این امر امکان می داد که  
جنبش توین در عمل نیز در سطح جامعه  
مطرح شود ، و با عمل خود تئوریهای اصولی  
خویش را تضمین کند و استوار سازد .  
۴ - بدنیال طرح مسأله " تبلیغ  
مسلحانه " در تئوری و در عمل با توجه به سه  
حمایتهای دم افزون نیروهای سیاسی و آگاه  
جامعه که از قبل قابل پیش بینی بود جنبش

توین می بایست دست به سازماندهی نیروهای زده و پیروزی یک نسل از کادرهای انقلابی را که آمادگی و توانایی مبارزه در شرایط سخت و دشوار ایران را داشته باشد بر عهده بگیرد. و از این طریق شرایط نهی انقلاب را تدارک کرده و براساس آن جنبش را از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی تثبیت نماید و ضمناً بظهور تثبیت هرچه بیشتر جنبش وحدت نیروهای مختلف انقلابی را که به مبارزه مسلحانه روی آورده اند تأمین کند.

ه - گسترش فعالیتهای تبلیغی مسلحانه و گسترش کار توضیحی بر اساس آن و همچنین استفاده از اشکال صنفی و سیاسی مبارزه حول محور تبلیغ مسلحانه و با اتکال بدستاوردهای آن، و از این طریق گسترش آگاهی مبارزاتی در میان اقلیت و طبقات خلق تحت ستم ایران. و بدنبال این اقدامات ایجاد زمینه های لازم برای گسترش مبارزه مسلحانه در سطح توده ها و ورود بمرحله دوم استراتژیک جنبش توین خلق، مرحله ای که در آن توده ای کردن مبارزه در دستور عمل جنبش قرار می گیرد اینها بودند هدفهایی که برنامه استراتژیک مرحله اول جنبش را مشخص می کردند. دشواریهای ما در اجرا و تحقق هدفهای فوق بسیار زیاد بوده اند، ما مجبور بوده ایم در چند جبهه نبرد کنیم و این در شرایطی بود که بسیاری ناتوان بودیم. ما از یکسوی دشمنی قهار و نیرومند که از طریق می کوشید با اعمال شیوه های مختلف، منفردمان سازد و نا بود

مان کند، مواجه بودیم و از سوی دیگر می بایست با اپورتونیسیم بیکرانی که بر بخش از نیروهای آگاه ایرانی حکمروائی میکرد مبارزه می کردیم. بویژه جناحهای اپورتونیستی مقیم خارج از کشور با سوء استفاده از کمک های کشورهای سوسیالیستی و بهره وری از مکانات انتشاراتی و تبلیغاتی و منابع مالی این کشورها<sup>۲</sup> لحظه ای تبلیغات عوامفریبانه، تحریف کننده و ضد انقلابی خود را بر علیه جنبش توین خلق ایران قطع نمی کردند و با خیالی آسوده از آنسوی مرزها در حالیکه در رفاه و تن آسائی غوطه ور بودند مبارزین جان برکف گرفته خلق را آماج تهنتهای ناروای خود قرار میدادند و هر یک بسهم خود در آگاهی مردم تهاشی ایجاد می کردند و از این طریق آب به آسیاب رژیم می ریختند. ولی با تمام این ناملایمات و علیرغم تمام وحشیگریهای دشمن و برغم تبلیغات غیر مسؤلانه اپورتونیستها برزندگان صادق و راستین جنبش مسلحانه با هر آنچه می گذارند اختیار داشتند و حتی گاه با چنگ و دندان و آخرین توان خود پرچم مبارزه را همچنان برافراشته نگه داشتند و باین ترتیب بضرورت مبارزه ای که خواست توده ها بود پاسخ مثبت دادند. آنها با فدا کردن بیدریغ جان خویش براساس ایمان فاطمی که به درستی اهداف خود داشتند نهال نوریست جنبش توین خلق را پاسداری کردند و آنرا بارور نمودند و با مبارزه و مقاومت بی امان خود دشمن را در فتنه گریهایش به شکست و اپورتونیستهای تسلیم طلب را به ناکامی

محکوم ساختند، و با تحقق بخشیدن به اهداف مرحله ای جنبش مسلحانه مهر پیروزی صبی انقلابی خود را بر صفحه تاریخ ایران کوییدند. جنبش دردوره ای که گذشت توانست با هدف مرحله نخست خود برسد و راه را برای آغاز مرحله دوم - هموار نماید.

و اما دست آوردهای ما :

۱ - بدنبال مطرح شدن مشی مسلحانه در جامعه نیروهای زیادی که در حال رکود سیاسی بسر می بردند به میدان مبارزه کشیده شدند، و نیروهای فعال سیاسی در جامعه رشد بیسابقه ای کردند. از سوی دیگر مطرح شدن تئوری جنبش مسلحانه اقدام عظمی براساس آن در رادیکالیزه کردن نیروهای بالفعل جنبش نقش تسریع کننده داشت، بطوریکه بلافاصله پس از آغاز رستاخیز سیاهگل، دانشجویان دانشگاه ها که قبلاً در اعتصابات و تظاهرات نشان همیشه درخواستهای صنفی را پوششی برای بیان خواسته های سیاسی خود قرار میدادند این بار رأساً با شمارهای سیاسی وسیع تند به خیابانها ریختند و با شعارهای " مرگ پادشاه "، " فرسید مرگت مبارک تهران را ببلرز در آورند. باین ترتیب نیروهای آگاه جامعه با جسارت بیمانندی تحت تأثیر جنبش مسلحانه به فعالیت پرداختند و این امر در تجدید حیات سیاسی نیروهای آگاه جامعه نقش تعیین کننده ای ایفا کرد و شور و حرکتی تازه به نیروهای سیاسی جامعه داد، نیروهایی که سالها با بخش و نصرت مکن و رکود سیاسی را تحمل کرده بودند

و اینک راهی برای شکستن بن بست یافته بودند، راهی را یافته بودند که میتوانستند در آن راه برای آزادی و رفاه دائمی زحمت کشان جامعه خود مبارزه کنند و زندگی خود را از این طریق وقف آرمان زحمتکشسان و در رأس آنها طبقه کارگر ایران بنمایند: آنها راهی یافته بودند که هر چند بسیار دشوار ولی تنها راه نیز بود راهی که پس از سالها تجربه عطفی و مطالعه یافته شد و بالاخره با رستاخیز سیاهکل در عمل گشوده گشت.

۲ - پیروان "تئوری بقاء" منفعل" که قبل از رستاخیز سیاهکل حفظ بی عمل گروههای مقاومت سیاسی، و صبر و انتظار را توصیه می کردند، پس از آغاز جنبش آراش ابدی خود را در خطر دیدند، و لذا این بار بیوفغ تازه ای از آراش سیاسی که منطبق با خواسته آنها یعنی حفظ وضع موجود بود روی آوردند. آنها این بار با اصطلاح بکار آرام سیاسی! در میان توده ها! روی آوردند.

آنها با اقتباس دکلماتیک این نحوه عمل سیاسی از تاریخ مبارزات سایر خلقها همین نحوه عمل را برای شرایط کاملاً متفاوت ایران توصیه مینمودند و همگنان ناآگاه خویش را برسیدن روز موعودی که این کار آرام سیاسی! شر خواهد داد به انفعال سیاسی می کشیدند آنها از کار آرام سیاسی خود که آنقدر آرامست که هیچ کس را از خواب سیاسی بیدار نمی کند، و بریژه به خواب سیاسی توده ها صحنه می گذارد صحبت می کردند، همان

شیوه ای که بمانند افیون می تواند شور و حرکت انقلابی را در دهه ای بخاموشی بکشاند، همان شیوه ای که آنها فریب خوردگان تزه های پوچ خود را بوسیله آن در امید متافیزیکی روز موعود عملاً بسه حفظ وضع موجود راضی می ساختند همان روز موعودی که در نتیجه کار آرام سیاسی (بخوان بی عطفی سیاسی) قرار است فرا برسد.

شگفت آنکه، این نقش را که همیشه ایدئولوگهای ارتجاعی و متافیزیستهای جیره خوار امپریالیسم بر عهده می گرفتند این بار خرد به پوزوهای فرصت طلب مهاجر و مقیمان اماکن امن و راحت، در زیر ناپ ایدئولوژی انقلابی پرولتاریا و همراه با شمار تو خالی مخالفان با رژیم شاه بر عهده گرفته بودند.

در مقابل این بازار آشفته سیاسی که اپورتونیستهای رنگارنگ ایجاد کرده بودند، جنبش نوین خلق ایران با ارائه تئوری طغر نمون خود که بر مارکسیسم - لنینیسم خلاق از یکسو و تجارب مبارزاتی خلق و پیشروان آن از سوی دیگر متکی بود، نادرستی تئوریهای فرصت طلبانه و تسلیم طلبانه را در تئوری و در عمل نشان داد. و تأثیرات منفی این تئوریها را در مقیاس وسیعی زدود امریکه در این رهگذر جنبش راهمراهی میگرد واقعیات عینی و ملموس جا شده بودند بطوریکه بسیاری از گروههای صادق در چین عمل کردن به خط مشی های اپورتونیستی پس از مدتی متوجه بی حاصلی آنها شده و این تئوریها را طرد کردند بطوریکه در

ایران این تئوریها دیگر کشش و قدرتی ندارند و آنها نیز که با این تئوریها از خارج بایران می آیند پس از مدتی یا بمبارزه واقعی موجود در جامعه می پیوندند، و یا اینکه کار آرام در دستگاه دولتی و شرکتهای بورژوازی را بر میگزینند بهر حال امروزه در شرایطی که جنبش نوین خلق نقب تاریخی خود را به میان توده ها زده است، بیش از هر وقت شرایط برای دفن کامل تئوریهای اپورتونیستی آماده شده است.

امروزه پس از چند سالی که از طرح تئوری طغر نمون جنبش مسلحانه در ایران می گذرد این تئوریها در عمل به پیروزی دست یافته و مورد تأیید اکثریت قاطع نیروهای پیشرو جامعه ط قرار گرفته اند. این حقیقت را بانیم نگاهی به نیروهای کثیری که علیه رژیم فشار شدید دیکتاتوری در داخل ایران بست جنبش نوین خلق روی می آورند می توان تشخیص داد.

۲ - بموازات طرح شدن مبانی تئوریک جنبش نوین خلق ایران و اجرای عملی تزه های آن، پیشروترین نیروهای جامعه عملاً به جنبش نوین خلق پیوستند و تشکیلات آنها بارور ساختند و برنامه جنبش در این زمینه به پیروزی کامل دست یافت.

۳ - با تکیه بر حمایت عملی نیروهای پیشرو خلق امر سازماندهی جنبش نویسن علیه رژیم دشواریهای بیسابقه ای که پیگرد ها و دستگیریها، قتلها و اعدامهای رژیم برای سد کردن راه رشد آن ایجاد کرده بود همچنان ادامه یافت، و جنبش خلق با افت و خیزهای بسیار در راه خونین

انقلاب میهنان پیش رفت، و در این رهگذر بود که کادریهای واقعا انقلابی مصمم و جانباز جنبش نوین خلق ایران تعمیم انقلابی یافتند، کادریهایی که برای آنکه بتوانند در شرایطی چنین دشوار واقعا مبارزه کنند، میبایست در یک دست سلاح، در دست دیگر کتابه و در زیر زبانشان قرص مرگ داشته باشند.

بدینسان بود که کادریهای ورزیده و فدایی جنبش نوین خلق ایران با بمرصه وجود نهادند و با جانبازی و از خودگذشتگی بی مانند خورد جنبش را در سخت ترین شرایط به پیش بردند و راه رشد مبارزات خلق را کوییدند و هموار ساختند و جنبش نوین را از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی تثبیت کردند و شرایط ارتقاء آنرا بر ماحل بالاتر فراهم نمودند.

امری که در تشریح جریان جنبش در مرحله ای که گذشت باید مورد توجه قرار بگیرد عدم یکپارچگی سازمانهای جنبش در مرحله تثبیت بود وحدت نیروهای جنبش مسلحانه اگر در مرحله نخستین حرکت آن تحقق می یافت بلاشک در کوتاه کردن دوره این مرحله می توانست نقش مثبت ایفا کند ولی این امر به علت تنگ نظریهای سیاسی و ایدئولوژیک در درون جنبش مسلحانه که از محافظه کاری سنتی نیروهای پیشرو طبقه متوسط جامعه نشئت میکرد جامه عمل بخورد نپوشید ولی با توجه به تغییر ترکیباتی که در مبارزات این جناح از جنبش مسلحانه در یکساله

اخیر روی داده است امید داریم که بتوانیم وحدت درونی جنبش مسلحانه را بطریقی که نفی کننده خط مشی اساسی جنبش نباشد تأمین نمائیم.

۴ - فعالیتهای تبلیغ مسلحانه در این مرحله همراه با تبلیغات توضیحی قابل ملاحظه ای که توسط رادیو میهن پرستان از یکسو و انتشارات وسیع جنبش در داخل و خارج کشور از سوی دیگر همراه بود تأثیرات وسیعی در داخل و خارج ایران از خود بجای گذاشت، نیروهای مبارز کفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور که تا قبل از ستاخیسز سیاهکل اساسا تحت تأثیر تئوریهای منفعل بودند از طریق انتشارات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با مسائل جنبش انقلابی ایران آشنا شدند و با درک مفاهیم تبلیغ مسلحانه در تئوری و عمل باحاطیت پدیدار شدند و از خود از جنبش نوین خلق در جهت افشای رژیم شاه و معرفی انقلاب ایران گامهای ارزنده ای برداشتند. کنگره هفدهم هم کفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی که در زمستان ۴۴ تشکیل شد نمایشگر پیروزی طرفداران جنبش مسلحانه در سطح نیروهای خارج از کشور بود.

همچنین یاریهای صادقانه و مصمانه گروههای مارکسیستی پیشرو در خارج از کشور امکانات قابل ملاحظه ای را در اختیار جنبش مسلحانه ایران نهاده است که رادیوهای حامی جنبش و فعالیتهای پیگیر آنها نمونه بارز این یاریها بوده است.

۱- این رساله بزبانهای عربی، فرانسوی و انگلیسی ترجمه شده و ویژه مورد استفاده انقلابیون فلسطین و ظفار قرار گرفته است. اخیرا جنبه خلق برای آزاد فلسطین این کتابرا با مقصدای از رفیق جرج حبش منتشر کرده است.

۲- این اثر احساس مسئولیت بیشتری را از جانب کشورهای سوسیالیستی برادر نسبت به جنبش نوین خلق ایران ایجاد میکند.

\* \* \*